

## پودمان ۲

### انسان و نظام خانوادگی

## انسان و نظام خانوادگی

### طلیعه

«از زمانی که چشم گشودیم، در دایره‌ای از نیازها، محاصره شده بودیم و آن هنگام که اندکی خود را شناختیم، دانستیم که چگونه انسان‌هایی با مهر و محبت، ما را در دامن پرعطوفت خود پروراندند تا بالنده شدیم، آنان حتی پیش از درخواست و تقاضای ما برای برآورده شدن نیازهایمان، هوشمندانه و دلسوزانه در تأمین آنها، با جان و دل کوشیدند تا مبدا رنج محرومیت و تلخی عاطفی را احساس کنیم. اکنون ما به جوانی و برومندی رسیدیم و آنان خسته از بار مسئولیت‌های زندگی، با دردها و رنج‌های خود مبارزه می‌کنند و همچنان چشمانشان نگران ما در زندگی است که حاضرند خود رنج بکشند ولی میان ما و رنج‌هایمان، مسافتی طولانی فاصله باشد. اگرچه نمی‌توانیم حتی گوشه‌ای از زحماتشان را جبران کنیم، ولیکن لبخند سپاس ما را ارج می‌نهند و دل‌هایشان که به وسعت دریاست، شاد می‌شود، آری نام این عزیزان همیشه دلسوز، «پدر و مادر» است.»

### نیازهای انسان

در مقایسه با سایر موجودات، انسان از نیازهای بیشتر، پیچیده‌تر و طولانی‌تری برخوردار است؛ زیرا یک موجود هرچه نیازمندتر باشد و به همان نسبت فرایند رشد موجودی، طولانی‌تر باشد، آن موجود نسبت به سایرین کامل‌تر است. بر این اساس، انسان، کامل‌ترین موجود جهان هستی است. بخشی از نیازهای انسان، احتیاجات اولیه اوست که به آنها نیازهای زیستی، فیزیولوژیکی و حیاتی نیز گفته می‌شود. این دسته از نیازها عبارت‌اند از: نیاز به اکسیژن، آب، غذا، خواب، استراحت، مسکن و تأمین غرایز و نظایر آنها و بخش دیگر شامل نیازهای اساسی روانی است که اصطلاحاً به آنها نیازهای ثانویه اطلاق می‌شود<sup>۱</sup>، نظیر نیاز به امنیت خاطر، تعلق، داد و ستد عاطفی، احترام و منزلت، فهم و درک متقابل، تکریم زیبایی و خودشکوفایی<sup>۲</sup>. از بدو تولد انسان، بخش عمده‌ای از نیازهای اولیه و معدودی از نیازهای ثانویه نظیر امنیت و تعلق، سر برمی‌آورند و به دنبال راهی برای تأمین آنها می‌باشند. نوزاد همان‌گونه که به اکسیژن، شیر مادر، آب، خواب، استراحت نیازمند است، با قرار گرفتن در آغوش مادر، احساس امنیت و آرامش می‌نماید، به محبت و عاطفه هم احتیاج دارد و هم آن را درک می‌کند و در صورت محرومیت از هر یک از آنها، گریه را سر می‌دهد و بدین‌وسیله ناراحتی و نارضایتی خود را ابراز می‌کند و در مواردی محروم شدن از برخی نیازها، زندگی طفل را دچار مخاطره می‌کند و ممکن است به مرگ او منجر شود.

۱. انگیزش و شخصیت، ص ۱۰۱

۲. مزلو این نیازها را به‌طور مبسوط بیان کرده است و در فصول بعدی همین کتاب به آنها بیشتر پرداخته خواهد شد.

بنابراین از همان آغاز، نوزاد آدمی باید در کنار خویش از نعمت وجود مادر و پدری برخوردار باشد که عمیقاً او را دوست داشته باشند و به‌ویژه مادر نظیر یک پرستار در تمامی ساعات شبانه‌روز از او مراقبت نموده و نیازهای اولیه او را تأمین کند تا در سایه وجود مادر و پدر، کودک قادر به ادامه زندگی شود. لذا دست‌قادرتمند الهی و عشق به فرزند باعث می‌شود او را با مهر پرورند و خواب و آرامش خود را فدای او کنند تا او همچون نهالی نورسته، رشد کند، قد بکشد و با گذر از سال‌های زندگی و دوران رشد، جوانی برومند و رشید گردد.

## تعریف و نقش خانواده

با این مقدمه معلوم شد که کودک از همان ابتدا، نیاز به محیطی گرم، سالم و دوست‌داشتنی دارد که پایه‌های اصلی آن را مادر و پدر شکل می‌دهند تا در چنین شرایطی کودک ببالد و به بزرگی برسد. نام چنین محیطی، خانواده است.

در نظر بسیاری از مردم، خانواده به منزله واحد اجتماعی است که شامل یک زوج و فرزندان‌شان است که در خانه‌ای در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

«راجرز» می‌گوید: «خانواده نظامی نیمه‌بسته است که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می‌کند، دارای اعضای است که وضعیت‌ها و نظام‌های مختلفی را در اجتماع احراز کرده و با توجه به محتوای وضعیت‌ها، افکار و ارتباطات خویشاوندی که مورد تأیید جامعه‌ای است که خانواده جزء لاینفک آن است، ایفای نقش می‌کند.<sup>۱</sup>» «مرداک» نیز در تعریف خانواده می‌نویسد:

«خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضای آن به وسیله دودمان، ازدواج یا فرزندخواندگی با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و نیز کسانی که در زندگی با هم از تشریک مساعی در تأمین درآمد، اقتصاد، زندگی و نگهداری فرزندان برخوردار هستند.<sup>۲</sup>»

به این ترتیب، لطف و عنایت پروردگار به کودک این‌گونه است که حتی قبل از تولد و زمانی که او به صورت جنین در رحم مادر به سر می‌برد، عشق و علاقه بی‌نظیری در قلب مادر ایجاد می‌کند که بتواند دوران بارداری را که برهه دشواری از زندگی اوست، پشت‌سر بگذارد و سختی‌های این مرحله را با امید به تولد فرزند تحمل نماید و با دیدن او چشمانش روشنی یابد.

کارکردهای خانواده: این کارکردها را از چهار منظر یا رویکرد می‌توان ملاحظه نمود:<sup>۳</sup>

### الف) خانواده، ساختاری در برابر جامعه

برخی از جامعه‌شناسان نظیر «هایدی روزن باوم» خانواده را واحد بنیادی جامعه تلقی می‌کنند. در چنین رویکردی، رابطه خانواده و جامعه از جنبه ارگانیکی و کارکردی آن مورد توجه است.

### ب) خانواده، عامل انتقال فرهنگی

در این رویکرد، خانواده به لحاظ ایجاد پیوندهایی میان نسل‌های مختلف قادر خواهد بود، میراث‌های فرهنگی خود را به نسل‌های بعدی منتقل کند.

۱. دانش خانواده، ص ۷۷

۲. همان، ص ۷۷-۷۸

۳. همان، ص ۷۸

### ج) خانواده، عامل توسعه فرهنگی

هر فرهنگی، برای تداوم حیات خود، نیازمند نوعی توسعه و گسترش از طریق پیام‌ها، عناصر و مؤلفه‌های متنوع خویش است. خانواده، بستر مساعدی برای چنین منظوری است. زیرا ارتباط‌های فکری و فرهنگی میان اعضای خانواده، فرصت مساعدی برای چنین هدفی به‌ویژه توسعه فرهنگی پایدار، مهیا می‌کند.

### د) خانواده، عامل تکوین هویت

تقریباً هم‌زمان با دوره نوجوانی پدیده «هویت‌جویی» نمایان می‌شود و تا دوره جوانی، امتداد می‌یابد. به عقیده برخی دانشمندان، تشکیل خانواده، به منزله تکوین بخشی از هویت فرد است که با عنوان «هویت خانوادگی» آن را از سایر ابعاد هویت متمایز می‌کنیم.

«هویت خانوادگی» خانواده، اولین و اصیل‌ترین نهادی است که فرد را در فرایندی طولانی تحت مراقبت و تربیت والدین قرار می‌دهد و در مقایسه با سایر نهادهای تربیتی، همچون مدرسه، جامعه، دانشگاه و نظایر آن، می‌تواند بیشترین و عمیق‌ترین تأثیرات را داشته باشد.

در کنار هویت فردی، هویت خانوادگی نیز دارای تعریف و مفهوم مشخصی است. در حقیقت تشکیل خانواده به منزله تکوین بخشی از هویت فردی است که با عنوان «هویت خانوادگی» آن را از سایر ابعاد هویت متمایز می‌کنیم.<sup>۱</sup> منظور از هویت خانوادگی، «تبیین روابط کمی و کیفی فرد با خانواده، جایگاه و منزلت فرد و درک انتظار استقبال فرد و خانواده از یکدیگر است.»

بر این اساس، زمانی که جوانان بتوانند برای پرسش‌های ذیل، پاسخ روشنی بیابند، می‌توان گفت که هویت خانوادگی آنان تکوین یافته است. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:<sup>۲</sup>

- جایگاه و موقعیت من در خانواده چیست؟
  - نوع تعامل من با خانواده چگونه است؟
  - آیا روابط متقابل من و خانواده، رضایت‌بخش است؟
  - چه وظایفی در قبال خانواده‌ام دارم؟
  - خانواده‌ام از من چه انتظاراتی دارند؟
  - انتظارات من از خانواده چیست؟
  - آیا انتظاراتم از خانواده در چارچوب منطقی قرار دارد؟
  - آیا نسبت به خوبی‌ها، افتخارات و ارزش‌های خانواده‌ام، تصویر روشنی دارم؟
  - آیا مادرم با عمل خود، ارزش‌ها و خوبی‌های خانواده‌ام را تداوم می‌بخشد؟
- جمع‌بندی پاسخ‌های جوان نسبت به آنها، مبنایی برای تکوین هویت خانوادگی محسوب می‌شود.

### سلامت خانواده

خانواده را از یک نظر می‌توان به پیکر انسانی تشبیه کرد که دارای یکپارچگی وحدت و هماهنگی بین اعضای مختلف است و هر عضوی در حالی که به انجام وظایف خویش اشتغال دارد، از نوعی ارتباط منظم و دقیق با سایر اعضا برخوردار است و همان‌گونه که سلامتی بدن وابسته به عملکرد دقیق یکایک اعضا است، در برابر تهدید بیماری‌ها و آسیب‌های جسمی مقاومت می‌کند و در صورتی که اختلالی در سیستم دفاعی بدن نباشد،

۱. جوان و بحران هویت

۲. همان، ص ۶۹

فرد قادر خواهد بود زندگی خویش را با سلامت تداوم بخشد. با چنین مقدمه‌ای می‌توان سلامت خانواده را نیز تعریف کرد. چنانچه افراد و اعضای خانواده به نیازهای زیستی و روانی یکدیگر آگاهی داشته و برای تأمین آنها بکوشند و در برابر تهدیدها و آسیب‌های بیرونی و درونی، خود را آماده و مجهز کنند و حتی بتوانند پیشگیری را بر درمان مقدم شمارند، در این صورت، خانواده سالم تحقق می‌یابد. لازم به ذکر است که منظور از سلامت خانواده اعم از سلامت جسمی، روحی، اخلاقی و فکری است، به گونه‌ای که در کارکردهای خانواده اختلالی به وجود نیاید و علاوه بر آن، یکایک اعضا، طول عمر مناسبی داشته باشند و به عبارت دیگر امید به زندگی در آنها افزایش یابد.

برای روشن شدن مطلب، ذکر یک مثال بی‌مناسبت نیست. در یک خانواده، زمانی که همه افراد یعنی والدین و فرزندان، برنامه غذایی و زمان مناسب خواب و استراحت و به یاری یکدیگر شتافتن و سنگینی بار وظایف از آنها برداشتن را رعایت می‌کنند، کسی از پای نمی‌افتد و سلامت جسمانی اعضای خانواده حفظ می‌شود. به همین ترتیب، وقتی که آنها در زمینه نیازهای روحی و درونی یکدیگر، جدیت نمایند، سلامت روانی آنان تأمین می‌شود و در معرض ناهنجاری‌ها و آسیب‌های گوناگون قرار نخواهند گرفت.

نکته قابل توجه در این موضوع، تلاش ویژه فرزندان برای انجام خواسته‌های والدین و تأمین نیازمندی‌های آنان است. نوجوانان و جوانان با درک و آگاهی از یک عمر زحمات شبانه‌روزی والدین، جا دارد که در صورت داشتن توان و امکانات، نیازهای والدین را قبل از درخواست آنان تأمین نمایند، به عبارت دیگر هوشمندانه بتوانند این دسته از احتیاجات والدین را قبلاً شناسایی و پیش از آنکه والدین از آنان درخواست نمایند، برآورده کنند. این نوع رفتار که مصداقی از احسان به والدین محسوب می‌شود، در برخی آیات قرآن نیز بر آن تأکید شده است و به گونه‌ای حائز اهمیت است که در کنار عبادت پروردگار قرار گرفته است.

بیان حدیثی در این مورد مناسب خواهد بود. از امام صادق علیه السلام از معنای احسان به پدر و مادر سؤال شد. حضرت فرمود: احسان آن است که مصاحبت با آنان را نیکو انجام دهی و مجبورشان نسازی از تو چیزی درخواست کنند اگرچه بی‌نیاز باشند<sup>۱</sup>.

### سعادت خانواده

سعادت و خوشبختی در نظر ارسطو، در استعداد داشتن چیزی یا بالقوه بودن آن [پدیده] نیست. او معتقد است، سعادت، نوعی فعالیت است و واضح است که فعالیت یک ضرورت و چیز موجودی است، همانند چیزی که در تملک انسان باشد. باری اگر خوشبختی در حیات و در فعالیت است و اگر فعالیت انسان نیک، برای خود او فضیلت‌آمیز و دلپذیر است، لذا انسان کاملاً سعادت‌مند، نیازمند دوستانی است که شاهد خیرخواهی او باشند<sup>۲</sup>.

سعادت در دیدگاه امام علی علیه السلام، همانا حرکت در صراط مستقیم حق است که در چنین صورتی، سعادت جاودانی نصیب سالک می‌شود، آن حضرت در این زمینه می‌فرماید:

«پروا کنید، همانا خدا، راه حق را برای شما آشکار کرده و جاده‌های آن را روشن نگاه داشت، پس یا شقاوت دامن گیر یا رستگاری جاودان در انتظار شماست. پس در این دنیای نابودشدنی برای زندگانی جاویدان آخرت، توشه برگزید که شما را به زاد و توشه راهنمایی کردند و به کوچ دادن از دنیا فرمان دادند<sup>۳</sup>».

۱. یکصد و پنجاه موضوع از قرآن و احادیث، ص ۳۵۰

۲. اخلاق نیکوماخوس، ج ۲، ص ۲۱۶

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲: ۷۶

علامه طباطبایی در این زمینه می‌نویسد: سعادت آدمی در زندگی از نظر دین به این است که بتواند نخست عمل صالح را تشخیص دهد و سپس بر طبق آن عمل کند. بنابراین کسی که بخواهد دارای چنین سعادت شود: اولاً احتیاج به عملی دارد که به وسیله آن بتواند حقیقت این را که همان دین حق است، تشخیص دهد. ثانیاً، موانع سعادت را که رذائل اخلاقی است از نفس خود زایل سازد.

ثالثاً، عمل صالح را تشخیص و طبق آن عمل کند تا بتواند سعادت مطلوب را به دست آورد.<sup>۱</sup> بر این اساس سعادت خانواده نیز قابل تعریف خواهد بود، با این توضیح که اگر افراد خانواده، ابتدا با فضائل اخلاقی که در آموزه‌های دینی تعریف و تبیین شده آشنا شوند و پس از آن رذائل اخلاقی را که مانع سعادت آنهاست، تشخیص دهند و آنها را از کانون زندگی خود دور کنند، با عمل به فضائل اخلاقی که در خانواده باید محقق شود، سعادت خود را تأمین خواهند کرد.

لازم به ذکر است که برخی فضائل اخلاقی در خانواده، دارای کارکرد بیشتری است، مانند: احترام به همسر و فرزندان، احترام به والدین و برادر و خواهر، شناخت حقوق همسر و فرزندان، شناخت حقوق والدین، رعایت خوش رفتاری و حسن سلوک با اعضای خانواده؛ وفای به عهد و ادای امانت نسبت به اعضای خانواده و نظایر آنها.

### خانواده هسته‌ای و گسترده

از یک منظر، می‌توان خانواده را به دو نوع هسته‌ای و گسترده تقسیم کرد. خانواده هسته‌ای، واحدی است که از یک زن و شوهر و فرزندان تشکیل شده باشد. در اصطلاح خانواده گسترده به طور کلی به نظامی اطلاق می‌شود که در آن آرمان جامعه این است که چندین نسل زیر یک سقف زندگی کنند. خانواده گسترده، نظامی است که یک زن و شوهر، خانواده پسران متأهل، پسران و دختران مجرد، و بالاخره نوه‌ها و نتیجه‌ها، خانواده را شکل می‌دهند. در مقایسه این دو، برخی معتقدند که خانواده گسترده از لحاظ ارتباطات انسانی بیشتر و گفت‌وگوهای چندجانبه میان اعضای آن، قادر است اندوخته‌های فکری و فرهنگی خود را بهتر از نوع دیگر خانواده، منتقل نماید و از این طریق رشد فکری و اجتماعی نسل‌ها، تسهیل می‌شود.<sup>۲</sup> روی هم رفته خانواده گسترده، پایدارتر از خانواده هسته‌ای است. در خانواده گسترده، مردم می‌آیند و می‌روند ولی واحد اصلی، مسئولیت جمعی خود را حفظ می‌کند، در حالی که مرگ مادر یا پدر در یک خانواده هسته‌ای، باعث جدایی و از هم پاشیدگی خانواده می‌شود. دیگر اینکه در خانواده گسترده، امکان جمع‌آوری سرمایه و به کار انداختن آن بیشتر است تا آنجا که افراد حاضرند در سود و زیان، شریک سایر افراد خانواده شوند. علاوه بر اینها، کودکان از اینکه با پدر بزرگ و مادر بزرگ و نیز با دیگر خویشاوندان نزدیک‌تر هستند احساس شادی می‌کنند و ارتباط با آنان برایشان، آسایش و ایمنی می‌آفریند. به نظر می‌رسد با توجه به تیپ خانواده هسته‌ای در عصر حاضر و عملی نبودن خانواده گسترده، چنانچه والدین در خانواده هسته‌ای، سعی در برقراری ارتباط مؤثر، مستمر و مفید با پدران و مادران خود داشته باشند، خیلی از مشکلات و احیاناً طلاق کاهش پیدا می‌کند. البته لازمه مفید بودن این امر، عدم مداخله پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در زندگی فرزندان جوانشان و نوه‌ها است، زیرا مداخله غالباً با مقاومت جوان‌ترها روبه‌رو می‌شود ولی ارائه پیشنهادها و توصیه‌های صمیمانه و مشتاقانه، زمینه را برای بهبود روابط جوانان فراهم خواهد کرد و حس مقاومت را در آنها برنخواهدانگیخت.

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۱۳۷

۲. دانش خانواده، ص ۷۹-۸۰

## نظام ارتباطی افراد خانواده

در مبحث ارتباطات انسانی، دو نوع ارتباط مورد مطالعه قرار می‌گیرد: ارتباطات درون فردی و ارتباطات میان فردی. در اولین نوع ارتباطات، مناسبات آدمی با خویشتن و دنیای درون وی مورد تأمل و توجه قرار دارد و بر این موضوع تأکید می‌شود که چنانچه فردی بتواند خویشتن را به درستی بشناسد و براساس آن، رابطه‌ای منطقی و معقول با خود برقرار نماید، چنین فردی، دارای سازگاری شخصی (فردی) خواهد بود. در ارتباطات نوع دوم (میان فردی) بر مناسبات آدمی با دیگران تأکید می‌شود، نظیر رفتار با اعضای خانواده، دوستان، محیط معاشرت و سایر عوامل اجتماعی. در این مبحث ارتباطات میان فردی در خانواده با عنوان نظام ارتباطی خانواده مورد بررسی قرار خواهد گرفت و عمدتاً بر ویژگی‌های اثربخشی این نوع ارتباط تأکید خواهد شد.

### ویژگی‌های اثربخشی ارتباطات درون فردی

این ویژگی‌ها به پنج ویژگی عمده قابل تفکیک اند:

ویژگی‌های پنج‌گانه عبارت‌اند از: ۱) گشودگی، ۲) همدلی، ۳) حمایتگری، ۴) مثبت‌گرایی و ۵) تساوی.

**۱ گشودگی:** گشودگی را چنین تعریف می‌کنند که شخص، احساسات و تفکرات خود را که کاملاً در اختیار اوست و خود او کاملاً به آنها واقف است و مسئولیت آنها را به عهده دارد به اطلاع دیگری برساند.<sup>۱</sup> عنصر گشودگی در خانواده به این معنا می‌تواند باشد که اعضای خانواده در پرتو اعتماد متقابل، بتوانند مسائل ضروری خود را با یکدیگر در میان بگذارند و از نظر آنان آگاه شوند و در رفع و حل آنها، به کار گیرند.

**۲ همدلی:** همدلی، توانایی یک فرد است که بتواند دریابد فردی دیگر چه تجربه‌ای در یک لحظه موعود و در یک چارچوب مشخص و با توجه به نظر خویشتن دارد. به عبارت دیگر همدلی، قابل درک و در میان نهادن با دیگری برای مقطعی از وضعیت روانی اوست.<sup>۲</sup> شاید به زبان ساده‌تر بتوان گفت که همدلی یعنی اینکه انسان بتواند خود را در جایگاه طرف مقابل قرار دهد و از دیدگاه او به مسائل و جهان پیرامون بنگرد و درک کند که او چه درکی از مسائل و موضوعات محیط پیرامون دارد.

**۳ حمایتگری:** درباره این ویژگی نیز گفته می‌شود: یک رابطه میان فردی مؤثر و قابل اتکا، رابطه‌ای است که در یک فضای حمایتگرانه شکل گرفته باشد. ارتباطات میان فردی نمی‌تواند در یک فضای توأم با هراس و تهدید دوام یابد و دیر یا زود به دشواری کشیده می‌شود و منجر به گسستگی رابطه می‌شود. در مواردی، سکوت بستری مناسب برای ایجاد فضای مطلوب و حمایتگر ارتباطی است. از این سکوت می‌توان به عنوان بهترین محمل برای القای مفاهیم و اشارات غیر کلامی استفاده کرد.<sup>۳</sup> در ارتباط کلامی میان افراد به‌ویژه اعضای خانواده، گاهی تأیید کلامی و یا حرکت سر به عنوان موافقت با طرف مقابل می‌تواند نشانه‌ای از حمایت محسوب شود.

۱. Openness

۲. ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۱۱۵

۳. Empathy

۴. همان، ص ۱۱۷

۵. Supportive

۶. همان، ص ۱۱۸-۱۱۹

**۴ مثبت‌گرایی<sup>۱</sup>:** یک ارتباط میان فردی مؤثر، زمانی رخ می‌دهد که علاوه بر موارد یاد شده، از مثبت‌گرایی نسبی نیز بهره‌مند باشد. کسانی که در مورد خود مثبت می‌اندیشند، این احساس مثبت را به دیگران منتقل و آنان را وادار به مثبت‌پنداری می‌کنند. لازم به ذکر است که فقط کافی نیست که ما نسبت به کسی احساس خوشایندی داشته باشیم، بلکه باید این احساس خوشایند را به دیگران انتقال دهیم و به آنان بفهمانیم که احساس ما دربارهٔ آنها چگونه است.<sup>۲</sup>

**۵ تساوی<sup>۲</sup>:** منظور از تساوی این است که در ارتباطات میان فردی باید تعادلی میان جنبهٔ گفتاری و شنیداری به وجود آید. اگر یکی از طرفین رابطه، در تمام مدت ارتباط سخن بگوید و دیگری ناچار به شنیدن در تمام مدت باشد، اثربخشی ارتباطات میان فردی در این مدت اگر غیرممکن نباشد، دشوار خواهد بود.<sup>۳</sup> در کانون خانواده، والدین می‌توانند ضمن بیان دیدگاه‌هایشان فرصتی را برای فرزندان در نظر بگیرند و متقابلاً نوجوانان و جوانان نیز، با ارائهٔ دیدگاه‌هایشان، زمان مناسبی را برای مطالب والدین به وجود آورند و با دقت و حوصله به مطالب آنان گوش فرا دهند.

## انواع ارتباطات انسانی

از نگاهی دیگر، ارتباطات انسانی را می‌توان بر شش وجه دانست. در مراکز اجتماعی، سازمان‌ها و نهادها به ویژه محیط خانواده، میان اعضا، شش نوع ارتباط شکل می‌گیرد که عبارت‌اند از:

**۱ ارتباط شناختی:** اعضای خانواده در چنین رابطه‌ای، تلاش می‌کنند تا یکدیگر را بهتر و بیشتر بشناسند و از روحیات و خصوصیات هم، مطلع شوند، این نوع شناخت دامنهٔ وسیعی دارد و می‌تواند باعث نزدیک شدن افراد به یکدیگر و ایجاد انس و الفت در فضای خانواده شود. برای شفافیت مطلب، محورهای دقیق چنین شناختی و اهداف تربیتی مورد نظر در هر محور در جدول ذیل ارائه می‌شود:

جدول ۱- چگونگی ارتباط محورهای شناخت و اهداف تربیتی آنها

ردیف	محورهای ضروری شناخت	اختلاف تربیتی مورد نظر
۱	شناخت روحیات	اتخاذ شیوهٔ مناسب رفتار در برابر او
۲	شناخت استعدادها	■ زمینه‌سازی برای راهنمایی آنها در جهت مطلوب ■ انتظار به قدر طاقت
۳	شناخت علایق [منطقی]	توجه به آنها و تأمین آنها در صورت امکان
۴	شناخت نیازهای اساسی	پاسخ فعال دادن به آنها با هدف سلامت روان
۵	شناخت مراحل رشد و تحول	اتخاذ ملاحظات تربیتی و تفکیک رفتار هنجار از ناهنجار
۶	شناخت کاستی‌ها و نقص‌ها	یاری رساندن برای برطرف کردن آنها
۷	شناخت نقاط قوت و مثبت	تلاش برای توسعه و گسترش آنها

۱. positiveness

۲. همان، ص ۱۱۹-۱۲۰

۳. Equality

۴. ارتباطات انسانی، ج ۱، ص ۱۱۵



**۲ ارتباط عاطفی:** احساسات و عواطف از مهم‌ترین ابعاد وجودی انسان‌اند، نظیر درک و یا عدم درک آنها، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در زندگی آدمی دارد. لذا تنظیم روابط عاطفی متقابل در خانواده، علاوه بر تعمیق مناسبات بین اعضا، می‌تواند از پناه بردن افراد به محیط‌های بیرون از خانواده به منظور تأمین آنها جلوگیری کند. بدیهی است آنهایی که از محرومیت عاطفی درون خانواده رنج می‌برند، به لحاظ عدم شناخت منابع عاطفی سالم و مطلوب در بیرون خانواده، در معرض آسیب‌های اخلاقی قرار می‌گیرند و به هر کسی و یا منبعی که احساس کنند، می‌تواند کمبودهای آنان را تأمین کند، پناه خواهند برد.

**۳ ارتباط کلامی:** یکی از رایج‌ترین ارتباط‌ها، ارتباط کلامی است. زیرا اغلب ما انسان‌ها در زندگی روزمره، به راحتی می‌توانیم از کلام به عنوان یک ابزار ارتباطی سهل و آسان با دیگران استفاده کنیم. در این صورت می‌توان نتیجه گرفت که در کانون خانواده، وجود ارتباط کلامی میان والدین با یکدیگر، والدین و فرزندان و فرزندان با هم، می‌تواند تأثیر گسترده‌ای در بهبود مناسبات بین اعضا داشته باشد. ارتباط کلامی، ابتدا برای یاری رساندن به افراد در شناخت یکدیگر، تأثیرگذار است، زیرا کلام آدمی معرف شخصیت اوست.

در کلامی از حضرت علی علیه السلام آمده است که فرمود: «انسان، زیر زبانش پنهان است.<sup>۱</sup>» بر این اساس، گفت‌وگوی اعضای خانواده هر چه بیشتر می‌تواند آنان را به شناخت عمیق‌تر یکدیگر برساند و به‌ویژه والدین، از لابه‌لای کلمات و عبارات فرزندان می‌توانند پی به دنیای درون آنها ببرند و در مواقع مقتضی یاریشان کنند. متقابلاً فرزندان نیز قادرند با ایجاد فرصت‌های مناسب برای گفت‌وگو با والدین، نیازهای خود را با آنان در میان گذارند و به شیوه بهتر و مناسب‌تری به آنها دست پیدا کنند و همچنین این موقعیت را می‌یابند تا عواطف و احساسات خود را به والدین بیان نمایند تا زمینه برای محیطی شاد، سرزنده و بانشاط در خانواده فراهم آید.

نکته دیگری که در این زمینه قابل تأمل است، استفاده از ارتباط کلامی برای درک متقابل والدین و فرزندان است. غالباً این مطلب از زبان نوجوانان و جوانان شنیده می‌شود که می‌گویند: «والدین ما را درک نمی‌کنند.» و یا برخی والدین از رفتار نوجوانان و جوانان گله می‌کنند و می‌گویند: «فرزندمان نمی‌داند ما چه انتظاراتی از آنها داریم.» و در مواردی نیز دقیقاً این مشکلات در ارتباط دو نسل، مشاهده می‌شود. ارتباط کلامی مؤثر و سازنده، این امکان را مهیا می‌نماید که والدین به سخنان فرزندانشان، خوب گوش دهند و زمینه برای درک آنها فراهم آید. همچنین به نوجوانان و جوانان فرصتی می‌بخشد تا از این طریق خواسته‌های منطقی‌شان را دوستانه به اطلاع والدین برسانند. در بخشی از مناطق کوهستانی مشاهده می‌شود که برای برقراری ارتباط میان دو قله مرتفع، پل‌های طولانی و محکمی بسازند که از فراز دره‌ای عمیق، دو نقطه مرتفع را به هم مرتبط می‌کند.

مدیریت دنیای مجازی، این امکان را فراهم می‌کند که میزان و نوع ارتباط با اطرافیان، به‌ویژه همسر و فرزندان و والدین، همچنان در صدر توجه خانواده‌ها قرار داشته باشد و دنیای مجازی نیز در حد و اندازه خود و نه بیش از آن حضور داشته باشد.

**۴ ارتباط تشویقی:** آدمی برای نیل به اهداف و مقاصد عالی خویش، نیاز به مشوق‌ها و محرک‌هایی دارد که از بیرون او را برانگیزد و او را در برابر خستگی‌های ناشی از راه طولانی و در مسیر هدف، برهاند و بر قوت و

۱. المرء مخبوء تحت لسانه (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۸)

اراده او بیفزاید. همان گونه که همسران در قبال یکدیگر عبارت‌های تشویق‌آمیز به کار می‌برند نظیر اینکه «من به تو افتخار می‌کنم.» یا والدین خطاب به فرزندان می‌گویند: «من روی تو حساب می‌کنم.» یا این کلمه که «من آینده تو را روشن می‌بینم.»

این نوع ارتباط می‌تواند آثار زیر را به همراه داشته باشد:

الف) موجب همدلی و همبستگی میان والدین و فرزندان می‌شود.

ب) امید به آینده را در نوجوانان و جوانان افزایش می‌دهد.

ج) نوجوانان و جوانان را در عبور از گردنه‌های صعب‌العبور زندگی یاری می‌دهد.

د) موجب تداوم و استمرار عملکردها و رفتارهای مطلوب خواهد شد.

**۵ ارتباط مشورتی:** فرایند حیات آدمی به گونه‌ای است که رو به پیچیدگی و دشواری سیر می‌کند و هر اندازه آهنگ زندگی دشوارتر و مبهم‌تر باشد نیاز به اندیشه‌های ورزیده‌تر و نیروهای عقلانی بیشتر، احساس می‌شود، زیرا آدمی به مدد نیروی فکر و خلاقیت خویش، قادر است بر تنگنای زندگی غلبه کند. لذا استفاده از روش مشورت در خانواده، می‌تواند نیروی عقل افراد را افزایش دهد و موجب تسلط بر مشکلات و حل آنها شود. به عبارت دیگر سن عقلانی که همان ورزیدگی فکر و پختگی اندیشه است، در پرتو مشورت افزایش می‌یابد و از سن تقویمی (شناسنامه‌ای) پیشی می‌گیرد.

هر اندازه سن عقلانی افراد از سن تقویمی بیشتر باشد، نشان‌دهنده توانایی آنان در حل و فصل مشکلات و تنگنای زندگی است و هر اندازه سن عقلانی از سن تقویمی کمتر باشد، دلالت بر ناتوانی فرد در مواجهه با مشکلات دارد. ارتباط کلامی مؤثر همچون پل‌های معلق در نقاط مرتفع کوهستانی است که بر این اساس استفاده از زبان مناسب در ارتباط کلامی، دو نسل (والد - فرزند) را به هم مرتبط می‌کند و فاصله آنها را به حداقل می‌رساند.

## نکات کلیدی

برای داشتن ارتباط کلامی مؤثر در خانواده، به‌ویژه در مناسبات میان والدین و فرزندان، نکات کلیدی زیر می‌تواند، مورد استفاده قرار گیرد و ارتباط را بهبود بخشد.

الف) هنر خوب شنیدن را برای جلب اعتماد طرف مقابلتان استفاده کنید؛ زیرا این کار به او تفهیم می‌نماید که برای شخصیت او و سخنانش، ارزش قائلید و همه توجهتان معطوف به اوست و در نتیجه اعتماد او را برای ارتباط عمیقی به دست خواهید آورد. این رفتار به‌ویژه در مناسبات میان والدین و نوجوانان و جوانان، ضروری است و به نتایج مطلوبی منجر خواهد شد.

ب) برای ارتباط کلامی مؤثر، «انتخاب بهترین زمان»، عامل موفقیت محسوب می‌شود، زیرا حالات افراد در زمان‌های مختلف یکسان نیست و همچون جزر و مد دریا، حالات و احساسات افراد، در موقعیت‌های خوب یا بد قرار دارد، لذا با سنجش موقعیت، زمان مناسبی را در نظر بگیرید که طرف مقابلتان، در شرایطی مطلوب برای گفت‌وگو باشد تا تأثیر کلام شما، افزایش یابد. در مواردی پدیده‌هایی همچون خستگی، بی‌خوابی، گرسنگی، ناکامی، غمگساری و نظایر آنها، تأثیر منفی بر روند گفت‌وگو بر جا می‌گذارد و شما را از رسیدن به مقصودی که در نظر دارید، باز می‌دارد.

ج) «انتخاب بهترین زبان» مکمل توصیه قبلی است. اینکه شما با چه کلمات و عباراتی منظور خود را به طرف مقابل می‌رسانید، بسیار تعیین‌کننده است. گاهی انتخاب جملات مؤدبانه، صمیمانه و عبارات کوتاه، قلب

طرف مقابل را نرم می‌کند و برای پذیرش سخن شما کاملاً آماده می‌کند. به‌ویژه والدین و نوجوانان و جوانان در ارتباط کلامی خود با استفاده از بهترین زبان می‌توانند حس احترام خود را به طرف مقابل اثبات کنند و با تحقق این امر، زمینه برای پذیرش مطالب، کاملاً مهیا می‌شود.

د) ورود دنیای مجازی در متن زندگی معاصر برای بسیاری از انسان‌ها به صورت اولویت درجه اول زندگی درآمده است، به گونه‌ای که بسیاری از دنیای واقعی پیرامون و محیط خانواده، غافل می‌شوند و با تمرکز بر دنیای مجازی، مجال توجهی برای مسائل ضروری و از جمله زندگی واقعی باقی نمی‌ماند و فرصت‌هایی که می‌تواند در تعامل اعضای خانواده و به‌ویژه والدین و فرزندان کارساز باشد، به راحتی از دست می‌رود و بعدها نیز فرصتی برای ترمیم آن باقی نمی‌ماند.

«در تاریخ زندگی بزرگان آورده‌اند که دانشمند پرآوازه و مشهوری روزی از پسر نوجوانش پرسید که هدف تو در زندگی چیست؟ پسر با افتخار و اطمینان پاسخ داد که آرزو دارم در علم و دانش به مقام شما برسم. پدر از پاسخ فرزند اندوهگین شد و گفت: پسرم زمانی که من به سنّ تو بودم، آرزو داشتم در آگاهی و معرفت به پایه امام صادق علیه السلام برسم ولی به اینجا رسیدم و تو که می‌خواهی به پایه من برسی به جایگاهی خیلی کمتر خواهی رسید لذا از کوتاهی همت تو متأسف شدم.»

**ارتباط الگویی:** در مباحث پیشین اشاره شد که انسان‌ها هر کدام، کمال را در چیزی می‌دانند و به دنبال آن حرکت می‌کنند ولیکن با وجود تفاوت در مصداق کمال، همگی برای نیل به هدف، نیازمند داشتن الگوهای هستند که از آنان راه و رسم زندگی را بیاموزند. گاهی نزدیک‌ترین افراد به انسان، در جایگاه الگوهای راستین قرار می‌گیرند، نظیر والدین، مربیان، دوستان و نیز چهره‌های مأنوس در داستان‌ها و ادبیات و اشعار حماسی.

در همین راستا شاید برخی از نوجوانان و جوانان، والدین خود را الگوی خویش قرار می‌دهند و به رفتارها و گفتارهای آنان تأسی می‌جویند و در مواردی به تعدادی از معلمان، مربیان، مشاوران و مدیران خود توجه می‌کنند و از شخصیت آنان برای ساختن منش خویش الهام می‌گیرند.

دقت نظر در علل انتخاب چنین افرادی برای الگو، بیانگر این واقعیت است که ویژگی‌های زیر می‌تواند در الگوسازی تأثیرگذار باشد: یکپارچگی علم و عمل «به معنای اینکه فرد به آنچه می‌گوید، عمل کند و بردبار در مواجهه باشد و تنگناها و نظایر آن نیز مؤثر است.

این واقعیت از یک سو، نوجوانان و جوانان را برمی‌انگیزد تا در جست‌وجوی الگوی مورد نظرشان، در یک فرد تمرکز داشته باشند، زیرا چنین امری، امکان‌پذیر نخواهد بود، الا در شخصیت‌های معصومین علیهم السلام که هر کدام، انسان کامل بودند، بلکه اگر به صورت پراکنده بتوانند از هر انسان بافضیلتی، خصوصیتی را در نظر بگیرند و در نهایت آنها را در یک منظومه شخصیتی با هم ترکیب نمایند، برای خود الگوی مطلوبی فراهم کرده‌اند. از سوی دیگر، این واقعیت به والدین، مربیان و اطرافیان نوجوانان و جوانان، یادآوری می‌کند که اگر خواستار آنند که فرزندان، شاگردان و یا دوستانشان در الگوسازی به آنها اقتدا کنند، لازمه این امر خطیر، اعتمادسازی است؛ به این معنی که داشتن صداقت، یکپارچگی شخصیت، برخورداری از معنویت و سلامت نفس، صفاتی هستند که هر کدام به تنهایی قادرند، نوجوانان و جوانان را جذب کنند و آنها با دقت در منش مربیان و والدین خود، به ساختن شخصیتی قابل احترام اقدام نمایند.

بهترین شیوه برای افزایش سن عقلانی، مشورت با دیگران است. در بیان امام علی علیه السلام آمده است: «هر کس

با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد.<sup>۱</sup>» و به عبارت دیگر عقل‌های آنان را به عقل خویش افزوده است. در سال‌های نوجوانی که فاصله میان حدود ۱۳ تا ۱۸ سال است، یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی که والدین و مربیان می‌توانند به کار گیرند، مشاوره با نوجوانان است. در همین راستا، اشاره به حدیث نبوی مناسب به نظر می‌رسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگامی که فرزندان‌تان به هفت سال سوم [۱۴-۲۱] رسیدند آنها را وزیر (مشاور) خود قرار دهید.<sup>۲</sup>»

## نکات کلیدی

چنانچه والدین، فرزندان نوجوان خود را مورد مشورت قرار دهند، آثار مطلوبی خواهد داشت که عبارت‌اند از:

- ۱ با این روش، نیروی عقلانی فرزندان پرورش می‌یابد.
- ۲ فاصله میان نسل‌ها (والدین \_ فرزندان) کمتر می‌شود و تفاهم میان آنان بیشتر می‌گردد.
- ۳ فرزندان متقابلاً از والدین می‌آموزند و در مسائل مورد نظرشان با والدین مشورت کنند.
- ۴ از عوامل اثرگذار بر لجاجت فرزندان در برابر والدین کاسته می‌شود و جای خود را به رفاقت میان آنان می‌دهد. در همین راستا، فرزندان می‌توانند با اتکا به شیوه‌های ذیل، به سهولت رابطه مشورتی یاری رسانند:
  - ۱ با اظهارنظرهای سنجیده به والدین خود نشان دهند که از لیاقت لازم در این زمینه برخوردارند.
  - ۲ هر مسئولیتی که بر عهده آنان نهاده می‌شود، با کفایت و دقت انجام دهند تا نظر مثبت والدین، مربیان و اطرافیان خود را جلب نمایند. کارهای محوله را به دید بزرگی و کوچکی نباید نگریست بلکه کیفیت انجام آن کارهاست که شأن و منزلت آدمی را بالا می‌برد. فراموش نکنیم که دیگران از گفتار و کردار ما به شخصیت‌مان پی می‌برند.
  - ۳ احساس مسئولیت در قبال خانواده، والدین و سایر اعضا نظیر: برادر و خواهر، بر قدر و جایگاه نوجوانان و جوانان می‌افزاید. انتخاب بخشی از امور زندگی و تلاش در انجام آنها، موجب دلگرمی اطرافیان و به ویژه پدر و مادر می‌شود، زیرا آنها احساس می‌کنند که فرزندان‌شان آن اندازه فهیم و قدرشناس هستند که به طور خودجوش و داوطلبانه، پاره‌ای از زحمات زندگی را بر عهده می‌گیرند تا والدین احساس سبکی و راحتی بیشتری در زندگی داشته باشند.

۱. من شاور الرجال، شارکها فی عقولها (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)  
۲. الحدیث (روایات تربیتی)، مرتضی فرید تنکابنی، باب الولد

## ارتباط انسانی در یک نگاه

اینک براساس مطالب پیشین می‌توان انواع ارتباطات انسانی مورد بحث و اهداف ناظر به آنها را در جدول ذیل ملاحظه کرد:

جدول ۲- ارتباطات انسانی و اهداف مرحله‌ای آنها (در یک نگاه)

ردیف	نوع ارتباط	معنا و مفهوم ارتباط	اهداف تربیتی مورد نظر
۱	ارتباط شناختی	الف) شناخت در حیات ب) شناخت استعدادها ج) شناخت علایق (منطقی) د) شناخت نیازهای اساسی ه) شناخت مراحل رشد و تحول و) شناخت کاستی‌ها و نقص‌ها ز) شناخت قوت‌ها و نقاط مثبت	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ اتخاذ شیوه رفتاری مناسب در قبال وی</li> <li>■ زمینه‌سازی برای راهنمایی آنها در جهت مطلوب</li> <li>■ تنظیم انتظارات براساس امکانات</li> <li>■ توجه به آنها و تلاش برای تأمین علایق در حد اقتضا</li> <li>■ پاسخ فعال به آنها با انگیزه تأمین سلامت روان</li> <li>■ اتخاذ ملاحظات تربیتی متناسب با هر مرحله</li> <li>■ تفکیک رفتارهای هنجار از ناهنجار</li> <li>■ یاری رساندن برای شناخت و مرتفع ساختن آنها</li> <li>■ تلاش برای توسعه و گسترش آنها</li> </ul>
۲	ارتباط عاطفی	داد و ستد عاطفی	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تعمیق مناسبات بین اعضا در فضای خانواده</li> <li>■ جلوگیری از پناه بردن افراد به کانون‌های عاطفی ناشناخته</li> </ul>
۳	ارتباط کلامی	انجام گفت‌وگوی متقابل	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ شناخت افکار و احساسات در پرتو رابطه کلامی</li> <li>■ کاهش فاصله نسل‌ها</li> </ul>
۴	ارتباط تشویقی	ایجاد محرک‌های شوق انگیز و مفید	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ امکان همدلی بیشتر والدین و فرزندان</li> <li>■ افزایش زمینه برای استمرار رفتارهای نامطلوب</li> </ul>
۵	ارتباط مشورتی	برقراری مشورت‌های متقابل	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ ایجاد زمینه برای رشد خردورزی فرزندان</li> <li>■ برقراری پل ارتباطی مطلوب میان اعضای خانواده</li> </ul>
۶	ارتباط الگویی	ملاحظه شخصیت موردنظر به‌سان الگو	<ul style="list-style-type: none"> <li>■ تسهیل فرایند تشکیل شخصیت</li> </ul>

## خانه، کانون ارتباط یا خوابگاه؟

محیط زندگی خانوادگی، سازمان زنده و پویایی است که عمیق‌ترین ارتباطات انسانی در آن شکل می‌گیرد. لازمه سرزندگی، پویایی و نشاط چنین محیطی، داشتن مناسبات گرم و صمیمانه میان اعضای آن است. مشاهدات تجربی و پاره‌ای پژوهش‌ها مؤید این واقعیت تلخ است که در چند دهه اخیر، مناسبات بین اعضای خانواده‌ها در موارد گسترده‌ای دچار آسیب شده و به لحاظ کاهش و یا فقدان برخی جنبه‌های ارتباطی، به کانونی سرد، خاموش و فاقد انگیزه مبدل گشته است.

به نظر می‌رسد پاره‌ای از عوامل تأثیرگذار در این زمینه عبارت‌اند از: شتاب روزافزون زندگی، به‌گونه‌ای که آدمی را از خویشتن خود غافل ساخته است، اشتغال هم‌زمان مردان و زنان در بیرون از خانه و خستگی مفرط ناشی از آن برای هر دو، مجالی برای داشتن ارتباط انسانی مطلوب باقی نگذاشته است، نفوذ دنیای مجازی به درون خانواده‌ها، هر یک از افراد را به‌گونه‌ای به خود مشغول داشته است که هر کدام به تنهایی ساعت‌های

متممادی فقط سر در گوشی همراه خود دارند و به گونه‌ای وابسته به آن شدند که هیچ توجهی به اطراف و افراد ندارند. به عبارت دیگر هر کدام از اعضای خانواده، همچون جزیره‌ جدا افتاده‌ای است که به تنهایی زندگی را سپری می‌کند و کاهش روزافزون احترام و اقتدار والدین، به گونه‌ای است که برخی فرزندان خود را ملزم به حضور در خانه و انجام وظایف خود نمی‌دانند و بیشترین ساعات زنده و بانرژی خویش را در بیرون از منزل سپری می‌کنند و فقط جسم خسته خود را در پایان شب یا نیمه‌های شب به داخل منزل می‌کشاند تا دمی بیاسایند و ساعاتی بعد مجدداً به بیرون از خانه پناه ببرند.

این وضعیت که در حال حاضر بخش قابل توجهی از خانواده‌ها را تهدید می‌کند، خواه از ناحیه والدین و خواه از ناحیه فرزندان ایجاد شده و معضلی است که به مرور زمان تشدید می‌گردد و بیگانگی به جای دوستی و صمیمیت بر فضای زندگی، حاکم می‌شود.

از پیامدهای چنین وضعیتی می‌توان دور شدن دو نسل از یکدیگر را برشمرد، پدیده‌ای که از آن به گسست نسل‌ها نیز یاد می‌شود. به هر حال چاره کار در بازنگری به نقش‌های والدین و فرزندان و بازتعریف کانون خانواده نهفته است. به این موضوع در مباحث بعدی بیشتر پرداخته خواهد شد.

## بازنگری به نظام مسؤلیت‌ها

همان اندازه که اعضای خانواده از حیث فضای فیزیکی به هم نزدیک‌ترند تا به دیگران، به همان نسبت هم روابط آنها با یکدیگر پیچیده‌تر می‌شود. پیچیدگی روابط، زمینه‌های برخورد میان منافع آنان را افزایش می‌دهد و تزاخم منافع گاه و بیگاه موجب اصطکاک و برخورد و در مواردی درگیری می‌شود. لذا از یک سو، برای غلبه بر پدیده «خانه یعنی خوابگاه» و نیز دوری گزیدن از درگیری و مقایسه میان اعضای خانواده، نیاز به بازنگری به نظام وظایف و مسؤلیت‌ها احساس می‌شود، تا خانه و خانواده همچون همه قرن‌های گذشته کانون وحدت انسانی باشد.

ویل دورانت در کتاب لذات فلسفه، برداشت تحلیل‌گونه‌ای از وضعیت خانواده دارد. او می‌گوید:

«وظیفه خانواده به عنوان مرکز اخلاقی جامعه و رابط و پیونددهنده آن، ناشی از خاصیت ایجاد وحدت انسانی آن است و همه می‌دانند که اکنون این خاصیت اصلی از میان خانواده رفته است و نیز اجتماعات صنعتی عصر ما در وضع ناپایداری هستند، زیرا اصول اخلاقی آنها، پایه‌های اقتصادی و سیاسی خود را از دست داده است. صنعت از خانه و مزرعه به کارخانه و خیابان منتقل می‌گردد و مشاغل گریز یا تعیین‌کننده مراکز جغرافیایی، برای حیات فردی می‌شوند و محل کار به حکم تغییر محل سرمایه و پیدایش منابع طبیعی جدید ثبات و سکونش را از دست می‌دهد و بنابراین روابط پسران و پدران در گسستن روابط خانوادگی، که این همه نظریات مختلف درباره علل آن گفته شده، مؤثر بوده است. وفاداری به خانواده و فداکاری در راه آن، از میان رفته و وطن دوستی جای عاطفه خانوادگی را گرفته است، همچنان که قدرت و تسلط پدر بر اثر تسلط روزافزون دولت و توسعه وظایف آن رو به زوال نهاده است. همه‌جا همکاری ذاتی و طبیعی بشری رو به کاهش است و روابط مصنوعی و ظاهری، نظم و قانون و اجبار و هم‌کیشی، موقتاً جای آن را می‌گیرد.»<sup>۱</sup>

۱. لذات فلسفه (پژوهشی در سرگذشت و سرنوشت بشر)، ص ۹۸

## تحلیلی بر نقش نوجوانان و جوانان

چنین به نظر می‌رسد که با تکیه بر مباحث پیشین، اکنون بتوان تحلیلی از نقش نوجوانان و جوانان در ثبات و پیشرفت خانواده ارائه داد.

نوجوان با درک زحمات والدین که به طور مستمر در سال‌های زندگی او صورت گرفته، قادر است تلاش‌هایی را در جهت قدردانی از آنها به عمل آورد، اگرچه نمی‌توان حتی بخشی از این زحمات را جبران کرد. یکی از این امور، همکاری با والدین در زمینه‌های مختلف زندگی است. قبلاً اشاره شد که زندگی روز به روز پیچیده‌تر و پرشتاب‌تر می‌شود و به نوبه خود وظایف و مسئولیت‌های جدیدی از راه می‌رسد که والدین خود را در قبال آنها، پاسخگو می‌دانند. همکاری داوطلبانه و خودجوش فرزندان برای کاستن از بار مسئولیت‌های پدر و مادر، به آنان مجال می‌دهد تا دمی بیاسایند و زیر بار سنگین و فشرده کار، از پای درنیایند. انتخاب نوع همکاری و میزان و حدود آن، با دقت و هوشمندی نوجوانان به راحتی امکان‌پذیر است. در همین راستا، استفاده از عواطف انسانی در مناسبات با والدین و سایر اعضای خانواده، اهمیت می‌یابد. آدمی به گونه‌ای آفریده شده که در برابر کوچک‌ترین محبتی، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به گفته یکی از بزرگان کوچک‌ترین محبت‌ها از ضعیف‌ترین خاطره‌ها هرگز محو نخواهد شد. نگاه با محبت، رفتار کلامی و عملی توأم با مهرورزی، به مناسبات بین فرزندان و پدر و مادر روح تازه می‌بخشد و لطف پروردگار را شامل حال فرزندان می‌سازد. برآوردن انتظارات والدین بخش دیگری از مناسبات عاطفی با آنها محسوب می‌شود. این انتظارات در بیشتر مواقع جنبه منطقی داشته و به زمینه‌هایی نظیر درس خواندن، برنامه‌ریزی برای زندگی، انتخاب دوستان خوب، رعایت تعادل در استفاده از دنیای مجازی، جدی گرفتن امور ارزشی و اخلاقی و امثال آنها وابسته است و زمانی که فرزندان با دقت به این امور فکر کنند، درمی‌یابند که انجام آنها واقعاً نفعی به حال والدین ندارد بلکه خود آنها در حقیقت از رهگذر انجام آنها بهره‌مند خواهند شد.

مسئولیت‌پذیری نسبت به فرزند کوچک‌تر در محیط خانواده، نشانه رشد و بالندگی فرزند ارشد است زیرا آنها در شرایطی قرار دارند که می‌توانند از برادر و خواهر کوچک‌تر خود به نوعی مراقبت و حمایت نمایند و در کارها، یاریشان کنند. این روند بر تجربه زندگی و قدرت مدیریت آنان می‌افزاید، منوط به اینکه با مدارا و دوستی، در این امور وارد شوند و از تندی و شدت عمل کاملاً پرهیز کنند.

احترام قائل شدن برای برادر و خواهر بزرگ‌تر، نشانه درک صحیح از زندگی داشتن است، زیرا فرزندان ارشد خانواده، زمانی که رفتار احترام‌آمیز از فرزند کوچک‌تر می‌بینند، پاسخی درخور و شایسته که همان محبت و حمایت از اوست، خواهند داد.

امروزه در برخی خانواده‌ها، چالش نگران‌کننده، اختلاف و خصومت میان فرزندان است، تا حدی که امکان هر گونه اداره زندگی را به طور مسالمت‌آمیز از والدین سلب می‌نماید و دغدغه جدید برای آنها می‌آفریند که راه خروج از آن را نمی‌دانند. لذا برای پایان دادن به تشویش و نگرانی پدر و مادر از این حیث، داشتن رفتاری متعادل، توأم با محبت و احترام و احساس مسئولیت در قبال یکدیگر، مهم‌ترین اموری هستند که از فرزندان برمی‌آید. نباید فراموش کرد که هر گونه احساس آرامش و امنیتی که در سایه رفتار صحیح و مطلوب از فرزندان یا والدین به وجود می‌آید، چتر آرامش‌بخش خود را بر سر همه اعضای خانواده می‌گستراند.



مسکن، به معنی تسکین آدمی، آرامش و امنیت اوست، به عبارت دیگر خانه، زمانی واقعاً مسکن محسوب می‌شود که روابط اعضای خانواده براساس احترام، محبت و حمایت از یکدیگر تنظیم گردد و زمانی که در روابط بین اعضا مشکلی بروز می‌کند که ناشی از اختلاف عقیده، سلیقه، بینش و روش باشد، طرفین می‌توانند با مدارا و سازگاری با هم رفتار کنند تا روح آرامش و امنیت از محیط خانواده سلب نشود. فرزندان در مسائل اختلافی خانواده، نباید انتظار داشته باشند که همیشه والدین با مدارا و سازگاری، اشتباهات موجود را اصلاح نمایند، بلکه هر کس به نوبه خود باید ابتکار عمل را به دست بگیرد و در مواقع بروز اختلاف، نشان دهد که مدارا بهترین شیوه روبه‌رو شدن با دیگری است، خواه در مورد اختلاف نظر فرزندان با هم باشد و خواه نسبت به اختلاف نظر فرزندان با والدین. اگر دچار چنین مشکلی شدند، اطمینان داشته باشند که شیوه مبتنی بر کنار آمدن و سازگاری، بهترین و مؤثرترین روش محسوب می‌شود و تهدیدی متوجه فرد یا افرادی نمی‌گردد. لازم به ذکر است، کسانی می‌توانند در موارد مقتضی در تعامل با دیگران از شیوه مدارا و سازگاری استفاده کنند که ابتدا به سازگاری فردی (شخصی) رسیده باشند، و به عبارت دیگر به خوبی توانسته باشند با خود کنار بیایند تا در مرحله بعد قادر باشند به سازگاری بزرگ‌تری دست یابند که سازگاری خانوادگی است.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که موفقیت در سازگاری فردی، زمینه‌ساز توفیق در سازگاری خانوادگی است. این امر از دو جهت حائز اهمیت است؛ ابتدا اینکه همه خواهان این مطلب‌اند که خانواده‌ای آرام و بانشاط داشته باشند، تا خود نیز سهمی از آرامش و سرزندگی خانواده داشته باشند و لذا ناگزیرند به هر تلاش مفید و سازنده‌ای دست بزنند تا به آرامش مورد نظر برسند، و دیگر اینکه نیل به سازگاری فردی، علاوه بر اینکه شرط لازم و ضروری سازگاری خانوادگی است، یک نشانه مهم برای اعتماد به نفس افراد است و به آنها اطمینان می‌بخشد که کسب موفقیت در سازگاری فردی، دلیلی بر دانستن خودباوری و اعتماد به نفس است. بنابراین نوجوانان و جوانان که در راه رسیدن به اعتماد به نفس می‌کوشند، می‌توانند از این راه وارد شوند و در سایه کنار آمدن با خویشتن به خود و دیگران ثابت کنند که از اعتماد به نفس اولیه‌ای برخوردارند و با به‌دست آوردن سازگاری خانوادگی، به درجه بالاتری از اعتماد به نفس ارتقا یابند.

در مباحث قبلی اشاره شد که هویت فردی به مفهوم روشن شدن ویژگی‌ها و مختصات منحصر به فردی است که آدمی را از دیگران متمایز می‌کند و به عبارت دقیق‌تر به او تفهیم می‌کند که او کیست؟ دارای چه سرمایه‌ها و قابلیت‌هایی است؟ با یادآوری این مطلب، اکنون می‌توان این رابطه را تبیین نمود که درک هویت فردی منجر به سازگاری فردی (شخصی) می‌شود و به بیان دیگر از لوازم سازگاری فردی، آشنایی با هویت فردی است.



## عوامل مؤثر بر سازگاری خانوادگی

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت ثبات و آرامش خانواده در سلامت و سعادت اعضای آن و با تکیه بر نقش فعال فرزندان در این زمینه، بتوان از منظر تعالیم اسلام، به برخی از مهم‌ترین نقش‌ها و مسئولیت‌ها اشاره نمود. ابتدا به بیان ملاحظاتی در روابط «والدین و فرزند» خواهیم پرداخت.

### ملاحظات تربیتی والدین

در این بخش به پاره‌ای از آموزه‌های قرآن کریم و احادیث که ناظر به جایگاه فرزند در خانواده است یا معطوف به مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان است، اشاره می‌کنیم:

- ۱ فرزندی، زینت زندگی دنیاست.<sup>۱</sup>
- ۲ فرزندی، مایه امتحان والدین است.<sup>۲</sup>
- ۳ نگران نبودن از هزینه فرزندان<sup>۳</sup>
- ۴ نور چشم بودن بعضی از فرزندان<sup>۴</sup>
- ۵ موعظه به فرزند در خصوص پرهیز از شرک<sup>۵</sup>
- ۶ دعا برای فرزند در خصوص پرهیز از پرستش بت‌ها<sup>۶</sup>
- ۷ دعا برای فرزند برای برپا داشتن نماز<sup>۷</sup>
- ۸ توصیه و سفارش برای بقا بر آیین اسلام.<sup>۸</sup>

این ملاحظات از جهتی بر توجه به تربیت فرزند و حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی او متمرکز است و از جهات دیگر، قرآن کریم، والدین را از واقعیت‌هایی آگاه می‌کند که لازمه و مکمل تربیت فرزند است. نظیر موارد ذیل:

- ۱ دشمنی بعضی از فرزندان<sup>۹</sup>
- ۲ عدم افتخار به زیادی فرزندان<sup>۱۰</sup>
- ۳ سودمند نبودن فرزند [غیر صالح] در قیامت<sup>۱۱</sup>
- ۴ باز نداشتن فرزند از یاد خدا<sup>۱۲ و ۱۳</sup>.

۱. کهف: ۴۶

۲. تغابن: ۱۵

۳. انعام: ۱۵۱

۴. فرقان: ۷۴

۵. لقمان: ۱۳

۶. ابراهیم: ۳۵

۷. ابراهیم: ۴۰

۸. بقره: ۱۳۲

۹. تغابن: ۱۴

۱۰. سبأ: ۳۵

۱۱. ممتحنه: ۳

۱۲. منافقین: ۹

۱۳. برای دسته‌بندی آیات قرآن کریم و مستندات آنها، از کتاب یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) صفحات ۳۵۳-۳۵۴ استفاده شده است.

## ملاحظات تربیتی فرزندان

آنچه مکمل تلاش‌های والدین در مسیر سلامت و سعادت خانواده، محسوب می‌شود، اهمیت دادن به فرزندان در پاره‌ای از نقش‌ها و مسئولیت‌ها در قبال والدین است. تلاش یک‌جانبه والدین یا فرزندان، حاصلی دربر نخواهد داشت، بلکه تعامل دو نسل با یکدیگر است که محیط خانواده را سرشار از آرامش، امنیت و شادکامی خواهد کرد. آنچه از نگاه آموزه‌های اسلام، در خصوص نقش فرزندان قابل برداشت است عبارت‌اند از:

- ۱ احسان به والدین: در چهار سوره از قرآن کریم، دستور به احسان به والدین، بلافاصله بعد از مسئله توحید قرار گرفته است.<sup>۱</sup> این هم‌ردیف بودن بیانگر این است که قرآن تا چه مقدار برای والدین احترام قائل است.<sup>۲</sup>
- ۲ سپاس به والدین را در ردیف سپاس به خدا: به او توصیه کردم که برای من و پدر و مادرت شکر به جای آور.<sup>۳</sup>
- ۳ انفاق به والدین: بگو برای پدر و مادر از هر خیر و نیکی انفاق کنید.<sup>۴</sup>
- ۴ یادآوری سختی‌های مادر در دوران بارداری<sup>۵</sup>
- ۵ وصیت برای والدین در ارث<sup>۶</sup>
- ۶ دقت در احترام به والدین<sup>۷</sup>
- ۷ اطاعت نکردن والدین در معصیت الهی (شرک)<sup>۸</sup>
- ۸ نیکو معاشرت نمودن با والدین مشرک<sup>۹</sup>
- ۹ طلب مغفرت برای والدین<sup>۱۰</sup>.

## ارزیابی و تحلیل

از تعالیم اسلام در زمینه مناسبات والدین، می‌توان چنین برداشت کرد که تنظیم این روابط با حفظ محوریت دین، امکان‌پذیر است. انگیزه‌های دینی آن اندازه نیرومند است که افراد را چه در مقام والد و چه در مقام فرزند به عمل و امی دارد، والدین را از یک سو، برای تربیت فرزند صالح برمی‌انگیزد و این کار را عبادت تلقی می‌کند تا سختی‌ها و رنج‌های پدر و مادر، برای آنان کاری بامعنا باشد و از سوی دیگر، هم‌ردیف قرار دادن احسان به والدین و عبادت الهی، نشانه اوج عظمت قائل شدن نسبت به مقام پدر و مادر است، به گونه‌ای که هیچ فاصله‌ای میان این دو (عبادت خدا و احسان به والدین) وجود ندارد، و فرزندان با انجام خدمتی ناخواسته در حق والدین، گویی به عبادت خدا قیام می‌کنند. نکته دیگری که از این دسته آیات می‌توان استنباط کرد، قداست و جایگاه بی‌نظیر خانواده است، دلیل آن، تأکیدها و بایسته‌هایی است که در صورت عمل به آنها، محیط خانواده، از آسیب‌هایی چون طلاق و اختلاف محفوظ و مصون می‌ماند و چنانچه در نقطه مقابل به این دستورات عمل نشود، فروپاشی و تزلزل خانواده، نتیجه طبیعی آن خواهند بود، تا آنجا که اگر اختلافات درون

۱. بقره: ۸۳، نساء: ۳۶، انعام: ۱۵۱، اسراء: ۲۳

۲. یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۳۴۸-۳۵۰

۳. لقمان: ۱۴

۴. بقره: ۲۱۵

۵. احقاف: ۱۶

۶. بقره: ۱۸۰

۷. اسراء: ۲۵

۸. لقمان: ۱۵

۹. همانجا

۱۰. ابراهیم: ۴۱

خانواده حل نشود و به طلاق منجر گردد، براساس روایات وارده، عرش الهی به لرزه در خواهد آمد. می توان به این نتیجه رسید که اراده الهی، معطوف به حفظ و تقویت خانواده است. مطلب دیگر اینکه از جهت تربیتی، فرزندان برای یک موقعیت و امکان، رویش یا ریزش محسوب می شوند، زیرا با تعبیر قرآن کریم، آنان فرضیه امتحان پدر و مادرند، چنانچه خوب تربیت شوند، موجب عزت و سربلندی والدین اند و در غیر این صورت، اسباب سرشکستگی و خفت آنان خواهند بود. فرزندان شایسته و متعهد، موجب جمال اجتماعی پدر و مادر و خاندان خود هستند. برای نمونه به روایت زیر استناد می شود. مردی از پیامبر اسلام ﷺ پرسید: حق پدر بر پسر چیست؟ فرمود: پدر را به نامش بخواند<sup>۱</sup> و جلوی او راه نرود و پیش از او ننشیند و موجبات ناسزاگویی دیگران را برای او فراهم نکند. عملی شدن مناسبات عمیق والدین و فرزندان، در پرتو شناخت حقوق متقابل امکان پذیر خواهد بود، زیرا حقوق مذکور برگرفته از آموزه های دینی است و ریشه در فطرت آدمی دارد و نوعی نظام معیار محسوب می شود و برای همه افراد قابل ارزیابی و اندازه گیری است که تا کجا براساس حقوق متقابل، موفق به عمل شده است.

## جمع بندی و باهم نگری

با تکیه بر تعاریف خانواده و نیازهای آدمی، می توان تعبیر «منظومه خانوادگی<sup>۲</sup>» را برای چنین محیطی به کار برد. منظومه خانوادگی، دارای مرکزیت و اقمار پیرامونی آن است که با داشتن مرکز مقتدر و فعال، اعضای خانواده همچون قمرهایی به دور آن می چرخند و توازن و تعادل آن، توسط مرکز حفظ می شود، هر نوع حرکت فاقد نظم و خودسرانه، تعادل منظومه را در هم می ریزد و روی حرکت سایر اقمار نیز اثرگذار است. آنچه از مفهوم منظومه می توان در باب خانواده استفاده کرد، هماهنگی، یکپارچگی، وحدت، همدلی و حفظ حدود و حریم سایرین است. به راستی اگر این ویژگی ها در خانواده حفظ شود، نه تنها خانواده ها درگیر اختلافات و اصطکاک های خواسته و ناخواسته نمی شدند و نیرویشان به هدر نمی رفت، بلکه نیروهای اعضای خانواده به صورت یکپارچه صرف پیشرفت، موفقیت و تعالی آنها خواهند شد و بارقه امید در دل نوجوانان و جوانان در چنین شرایطی همیشه روشن و نورانی خواهد بود.

نکته مهمی که همه اعضای خانواده به ویژه فرزندان نباید از آن غفلت کنند، حفظ حرمت و منزلت یکدیگر در خلوت و جلوت (در حضور دیگران) است، زیرا دیگران اعم از اقوام و خویشان، دوستان و نزدیکان و همسایگان، از دریچه روابط اعضای خانواده با هم، به آنها بها و ارزش می دهند، به گونه ای که اگر فرزندان با والدین در حضور دیگران، رفتاری دور از شأن آنها داشته باشند و یا والدین، فرزندان خود را تحقیر و بی اعتبار کنند، نمی توانند از دیگران انتظار رفتاری احترام آمیز داشته باشند.

۱. شاید منظور این است که در صورت داشتن کنیه او را به کنیه اش بخواند نه به نام، زیرا معمولاً کنیه از احترام بیشتری نسبت به نام برخوردار است.  
۲. آلفرد آدلر، این تعبیر را درباره خانواده در یکی از آثارش به کار برده است.

### پرسش‌هایی برای بحث و گفت‌وگو

- ۱ آیا نیازهای روحی دیگری، علاوه بر آنچه در کتاب آمده است، می‌توانید بیان کنید و نحوه تأمین آن را در محیط خانواده تشریح نمایید؟
- ۲ چگونه می‌توان از تبدیل شدن خانه به خوابگاه، پیشگیری کرد؟ نقش کدام‌یک از اعضای خانواده مؤثرتر است و چرا؟
- ۳ به نظر شما در ارتباط کلامی در محیط خانواده، چه کسی باید پیشقدم شود و ابتکار عمل را به دست گیرد؟ چگونه می‌توان یکی از افراد خانواده که کم‌حرف است را برای ارتباط کلامی، فعال نمود؟
- ۴ چنانچه روابط والدین در خانواده‌ای، دچار مشکل شده باشد، فرزندان چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟ چگونه؟
- ۵ اگر زندگی حالت یکنواختی پیدا کند، مهم‌ترین و بهترین اقدامی که می‌توان در این زمینه انجام داد، چیست؟
- ۶ آیا در خصوص ملاحظات تربیتی والدین، پیشنهادی عملی که بتواند بر موارد یاد شده بیفزاید، به نظرتان می‌رسد؟
- ۷ آیا در خصوص ملاحظات تربیتی فرزندان، نقد و نظری دارید؟
- ۸ آیا شواهدی تاریخی، ادبی و اخلاقی در خصوص بهبود مناسبات والدین و فرزندان به نظرتان می‌رسد؟